

ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از

حقوق شهروندی و قوانین شهری

کرامت‌الله زیاری* - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول
عبدالله شیخی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران
مرضیه باقر عطاران - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران
دیمن کاشفی دوست - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱۴ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۲/۱

چکیده

نظام حقوقی شهر زمانی می‌تواند کارآمد باشد که شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری آگاهی داشته باشند. زیرا این آگاهی موجب می‌شود مشارکت شهروندان در کارهای شهری از پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار شود و زمینه انجام هر چه بهتر مدیریت امور شهری و کاهش معضلات آن را ایجاد گردد و مدیریت شهری در دستیابی به شهری پایدار و مطلوب یاری گردد. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف سنجش میزان آگاهی عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری و با تحلیل محتوایی گزیده‌ای از قوانین و مقررات، با استفاده از مطالعات میدانی به سنجش میزان آگاهی شهروندان این شهر پرداخته است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز متکی بر اسناد کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی با استفاده از پرسش‌نامه بوده است و در تحلیل پرسش‌نامه‌ها از نرم‌افزار Spss بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میزان آگاهی جامعه آماری پیرانشهر در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری در سطح پایینی است و شاخص مذکور (آگاهی) با شغل افراد ارتباط معناداری دارد، اما تحصیلات دانشگاهی افراد بر این شاخص تأثیر خاصی نداشته است. مجموعه این عوامل نشانگر آن است که بیشتر افراد آگاه به صورت تجربی و در جریان درگیری‌های حقوقی با بخش‌های مختلف شهرداری، یا در اثر فعالیت در مشاغل مرتبط با امور شهری، آگاهی لازم را به دست آورده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آگاهی عمومی، پیرانشهر، حقوق شهروندی، شهروندان، قوانین شهری.

۱. مقدمه

رشد فزاینده جمعیت شهری در کشورهای جهان سوم و از جمله ایران که در اثر رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های بی‌رویه روی می‌دهد، مشکلات و معضلات متعددی را برای شهرها و مدیریت آنها به بار آورده است و شدت فعالیت‌های شهری ناشی از آن، موقعیت سخت و مخربی را برای شهروندان به وجود آورده است. به نظر می‌رسد کاهش یا رفع مسائل مذکور مستلزم تدوین و اجرای صحیح قوانین و مقررات شهری همراه با آشنایی شهروندان با حقوق و قوانین شهری و همکاری و مشارکت آگاهانه آنها در فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت شهری است. به عبارت دیگر، آشنایی تک‌تک شهروندان از حقوق و قوانین شهری امری ضروریست؛ زیرا آشنایی با حقوق و قوانین شهری از یک سو روابط شهروندان را با ادارات شهر و نهادهای مرتبط در امر محلی و شهری، تنظیم می‌کند (کامیار، ۱۳۸۷: ۲۱) و از سوی دیگر توانایی شهروندان را برای مشارکت مؤثر در زمینه انجام هر چه بهتر مدیریت امور شهری و کاهش معضلات آن افزایش می‌دهد و نقش ساکنان شهر را به عنوان شهروندان فعال در اجرای قوانین شهری پررنگ‌تر می‌کند و میزان پاسخ‌گویی شهروندان را نیز افزایش می‌دهد (English, 2003: 57). نقش ساکنان شهر در مدیریت شهر امری انکارناپذیر است و نظام حقوقی شهر نیز زمانی می‌تواند کارآمد باشد که شهروندان در قبال حقوق و قوانین شهری آشنایی داشته باشند و خود را ملزم به اجرای آنها بدانند. لذا این قوانین را می‌توان یکی از نقاط اتصال شهروندان و مدیریت شهری قلمداد کرد. اما مسائلی از قبیل کم‌توجهی مدیریت شهری شهرهای کشور نسبت به آگاه‌سازی از حقوق و قوانین و مقررات و شفاف‌سازی آنها، روزآمد نبودن قوانین و مقررات و مهم‌تر از همه ناآگاهی شهروندان، سازمان‌های دولتی و حتی نمایندگان آنان به ریزه‌کاری‌های امور، روزه‌روز دامنه گرفتاری‌ها و معضلات ناشی از این امر را افزایش داده و با گذشت زمان مسئله با پیچیدگی بیشتری نیز مواجه می‌شود.

۲. بیان مسئله

در ابتدای رواج مفهوم توسعه، شاخص‌های توسعه بیشتر جنبه اقتصادی داشتند، اما با گذشت زمان به ترکیبی از عوامل مادی و غیرمادی تغییر یافته‌اند و در میان شاخص‌های سازنده ساختار اصلی توسعه، دانش عمومی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (Sastry, 1997: 14). به گونه‌ای که در حال حاضر جوامع توسعه‌یافته به صورت‌های گوناگون سعی در بالا بردن سطح دانش و اطلاعات عمومی در تمام زمینه‌ها از جمله حقوق فردی و قوانین شهری دارند؛ زیرا به درستی به این نکته رسیده‌اند که نبود یا کمبود آگاهی شهروندان و مدیران شهری و به تبع آن نهادهای اجرایی و نظارتی از حقوق و تکالیف خود و دیگران یا کوتاهی در اجرای آن، شهر را دچار بی‌نظمی و آشوب خواهد کرد.

بهترین دستگاه‌های نظارتی برای اجرای حقوق شهروندی و قوانین شهرسازی می‌توانند مردم باشند. این امر در صورتی می‌تواند تحقق یابد که آگاهی مردم به حقوق و تکالیفشان افزایش یابد؛ اما این به صورت خودبه‌خودی تحقق نمی‌یابد، بلکه باید نهادهای شهری متکفل با فراهم آوردن بسترهای آموزشی و فرهنگ‌سازی، زمینه افزایش آگاهی را فراهم سازند. لذا بدیهی است که آموزش و آگاهی نخستین گام نهادینه ساختن حقوق و قوانین شهری است. این آگاه‌سازی و آموزش یکی از مهم‌ترین وظایف دولت و مدیریت شهری (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۴۲) محسوب می‌شود؛ زیرا

بررسی لزوم آموزش حقوق شهروندی در ایران نشان داده است که نظام حقوق شهروندی در ابعاد اقتصادی- مالی، فرهنگی، اجتماعی و اداری- سیاسی نیازمند آموزش است (پاک‌نژاد و شکوری، ۱۳۸۰: ۴۳). اما کشور ما (ایران) نیز همانند بیشتر کشورهای در حال توسعه در این رابطه پیشرفت چشمگیری نداشته است و برنامه‌های محدود آن نیز نتایج مطلوبی در پی نداشته است. لذا می‌توان بخشی از مسائل و مشکلات مدیریت شهری کشور را به کمبود آگاهی و روند نادرست آگاه‌سازی شهروندان از حقوق و قوانین شهری و شهروندی نسبت داد. مثال بارز این موضوع مراجعه شهروندان به شهرداری برای اخذ پروانه احداث ساختمان یا محل کسب‌وکار است که به لحاظ نبود یا کمبود آگاهی با فلسفه قوانین و مقررات، آن را مانعی در رسیدن به مهم‌ترین خواسته‌های خود یا ابزاری در دست شهرداری برای کسب درآمد می‌پندارند (هاشمی، ۱۳۷۹: ۲۴). بنابراین، به راحتی می‌توان دریافت که خلأ آگاهی عمومی از حقوق و قوانین شهری، سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری شهرهای کشور را با نوعی اختلال مواجه کرده است. با توجه به این امر، روشن است که مدیریت موفق امور شهری مستلزم بذل توجه به واقعیت‌های متنوع و متعددی است که در عرصه حیات شهری به وقوع می‌پیوندد و همچنین دیدگاه شهروندان درباره سیستم اداره شهر و مراتب آگاهی شهروندان از حقوق و مسئولیت‌ها و تکالیفشان در برابر سیستم مدیریت شهری بسیار حائز اهمیت است (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸: ۹) و موجب ترغیب شهروندان برای همکاری با نهادهای شهری در انجام بهتر وظایفشان می‌شود (برک‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

بر اساس آنچه گفته شد، ضرورت آگاه‌سازی شهروندان از حقوق و تکالیف و قوانین شهری امری اساسی است که باید از طریق آموزش و برنامه‌های آگاه‌سازی به آن توجه شود و همچنین میزان آگاهی شهروندان برای پیشبرد بهتر اهداف آگاه‌سازی سنجیده شود. در همین راستا نوشتار حاضر با هدف سنجش میزان آگاهی عمومی شهروندان شهر پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری و با تحلیل محتوایی گزیده‌ای از قوانین و مقررات به سنجش میزان آگاهی شهروندان این شهر پرداخته است تا با شناخت خلأ موجود، امکان رفع کاستی‌ها فراهم آید. لذا پرسش اصلی نوشتار پیش رو این است که شهروندان پیرانشهر تا چه میزان از حقوق شهروندی خویش و قوانین شهری آگاه بوده و این میزان آگاهی با کدام دسته از متغیرهای منزلت اجتماعی مرتبط (معنادار) است.

۳. پیشینه تحقیق

بحث حقوق شهروندی در چند دهه اخیر در جهان توجه بسیاری را به خود معطوف داشته و مطالعات بسیاری را به خود اختصاص داده است. در کشور ما نیز در سال‌های اخیر از سوی سازمان‌های زیادی به‌ویژه نهادهای مدیریت شهری مطرح شده است و در این زمینه مطالعاتی نیز در کشور صورت گرفته است.

لطفی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان» به حقوق شهری و شهروندی و وضعیت آن در قوانین موجود پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت شهری می‌تواند با آموزش حقوق شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش، اتخاذ رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفت‌وگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان، کارایی، شفافیت و پاسخ‌گویی برای ارتقای حقوق شهروندان نقش‌آفرینی کند.

پورعزت و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله «رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت

سازمان‌ها» به بررسی حقوق شهروندی در منطقه ۳ شهر تهران پرداخته و رابطه فعال شهروندی و پاسخ‌گویی و شفافیت شهرداری را بررسی کرده‌اند که یافته‌ها نشان می‌دهد افزایش آگاهی مردم، موجب مشارکت بیشتر آنها برای ادای تکالیف در امور شهری و توسعه شهروند فعال می‌شود و توسعه شهروند مشارکت‌جو و فعال موجب افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی در عملکرد شهرداری می‌شود.

همچنین شیانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران: نگاهی بر مدیریت شهری» ضمن مروری تاریخی بر مفهوم شهروندی به وضعیت شهروندی در شهر تهران پرداخته که نتایج نشانگر آن است که مفهوم شهروندی برای نسبت قابل توجهی از افراد معنادار و قابل درک نبوده و آگاهی به حقوق، عمل به وظایف و برخورداری از احساس شهروندی با عوامل بازدارنده‌ای در جامعه مواجه است.

صرافی و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور» با تحلیل و تشریح مفهوم، پیشینه و خاستگاه شهروندی، جایگاه آن را در قوانین و مقررات شهری کشور واکاوی کرده و ارتباط آن را با مدیریت شهری تبیین کرده‌اند.

۴. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی است که با توجه به عنوان پژوهش و رهیافت‌های نظری و ملاحظات تجربی آن، روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر روش پیمایشی با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه به صورت پاسخ بسته و در قالب طیف لیکرت بوده است و برای مشخص کردن جامعه آماری هم از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن شهر پیرانشهر در سال ۱۳۹۲ را شامل می‌شود. برای تعیین حجم جامعه آماری از فرمول کوکران (حافظنیا، ۱۳۸۰: ۱۱۷) با سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای استاندارد ۵٪ استفاده شده و بدین ترتیب حجم جامعه نمونه ۳۷۸ نفر برآورد گردیده است. همچنین، برای تعیین پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از ضریب آلفای کرونباخ که نشان‌دهنده انسجام درونی و هم‌سازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود، استفاده شده و ضریب پایایی هر شاخص محاسبه گردیده است (جدول ۱). در نهایت، آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ($\alpha=0/785$) برآورد گردیده که عدد مطلوبی است و می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسش‌نامه به کار گرفته شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و تکمیل پرسش‌نامه‌ها، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Spss و Excel استفاده شده است.

در ادامه در بحث یافته‌های پژوهش، ابتدا میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان از شاخص‌های حقوق شهروندی خاص زندگی شهرنشینی و گزیده‌ای از قوانین شهری با استفاده از روش‌های آماری توصیفی (جداول توزیع فراوانی) سنجیده شده است و سپس میزان رابطه‌مندی (معناداری) آگاهی شهروندان با دو مؤلفه منزلت اجتماعی یعنی شغل و تحصیلات با استفاده از آماره‌های استنباطی (آزمون آماری کای اسکور و اسپیرمن) سنجیده و ارزیابی شده است.

شایان ذکر است که برای انتخاب گزیده‌ای از قوانین شهری، با استناد به جمع‌بندی نظر کارشناسان شهری و متخصصان دانشگاهی، تعداد ۴ قانون از قوانین شهری که بیشتر در زمینه حقوق ساکنان شهری قابل طرح‌اند، آورده شده‌اند.

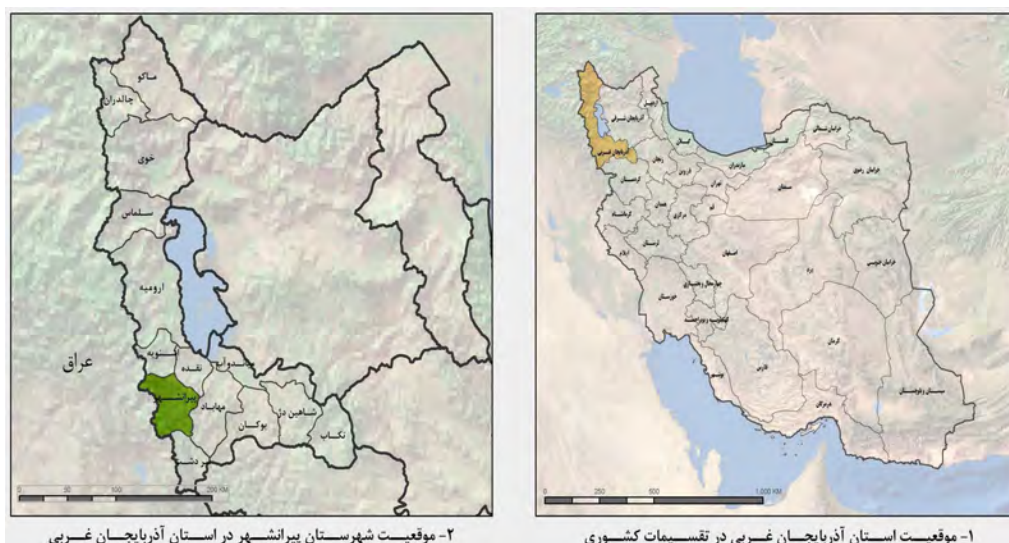
جدول ۱. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های تحقیق همراه با ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) هر شاخص

مؤلفه	شاخص	گویه‌ها	ضریب پایایی
قوانین شهری	اشغال پیاده‌روها	آگاهی از قوانین مربوط به عدم اشغال پیاده‌روها	۰/۷۷۰
	حق کسب‌وپیشه	آگاهی از قوانین مربوط به حق کسب‌وپیشه	۰/۸۲۲
	نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی	آگاهی از قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی	۰/۷۷۲
	ماده صد	آگاهی از ماده صد	۰/۷۶۳
یافته‌های توصیفی	مشارکت	مشارکت شهروندان برای تأثیرگذاری بیشتر بر سازوکار تصمیم‌گیری‌های شهری	۰/۷۹۲
		مشارکت در تدوین بودجه شهری و اتخاذ تصمیم درباره توزیع منابع عمومی	
		دخالت مؤثر در انتخابات مقامات شهری (شهردار و شورای شهر)	
		نظارت بر حسن انجام قوانین و مقررات مربوط به زندگی شهری	
		مشارکت در تهیه و اجرای طرح‌های شهری	
حقوق شهروندی	اطلاع‌رسانی	آگاهی از اطلاعات به‌روز، صحیح و دقیق و کافی درباره نحوه اداره شهر	۰/۷۷۱
		دسترسی به ضوابط مدون و منتشرشده توسط مدیریت شهری در زمینه آگاهی و راهنمایی شهروندان	
		دادن آگاهی از روند تهیه و اجرای طرح‌های شهری	
یافته‌های استنباطی	خدمات و امکانات	بهره‌برداری اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی از فضاهای عمومی و اختصاصی شهر مختص شهروندان	۰/۸۱۴
		بهره‌مندی برابر از خدمات عمومی و تأسیسات شهری	
		برخوردارگی از محیط زیست سالم	
	آموزش	آموزش شهروندی برای ارتقای مهارت آموزی شهروندان	۰/۷۵۹
پاسخ‌گویی	دسترسی به مدیران شهری	۰/۷۷۸	رسیدگی مناسب به خواسته‌ها و مطالبات قانونی شهروندان
یافته‌های استنباطی	رابطه‌های تحت بررسی	سطح تحصیلات با میزان آگاهی	
		شغل افراد با میزان آگاهی	

مأخذ: نگارندگان

۱.۴. محدوده تحت مطالعه

شهر پیرانشهر به عنوان مرکز سیاسی شهرستان پیرانشهر در جنوب غربی استان آذربایجان غربی و در ۱۲ کیلومتری مرزهای جمهوری اسلامی ایران با عراق (حکومت اقلیم کردستان عراق) واقع شده است. این شهر از شمال به اشنویه و نقده، از جنوب به سردشت و از شرق به مهاباد محدود است (مهندسان مشاور آرمانشهر، ۱۳۸۸: ۲). جمعیت شهر پیرانشهر بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۵۹۷۲۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) که در سال ۱۳۹۰ به ۷۰۷۲۲ نفر افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۱. جایگاه جغرافیایی شهرستان پیرانشهر در استان آذربایجان غربی

۵. مبانی نظری

۵.۱. دانش و ضرورت آن

دانش در معنای عام عبارت است از ترکیبی سیال از تجارب، ارزش‌ها و اطلاعات زمینه‌ای که به صورت منسجم و یکپارچه چارچوبی را برای ارزیابی و کسب تجارب و اطلاعات جدید فراهم می‌آورد. این دانش از ذهن افراد جامعه سرچشمه می‌گیرد و توسط آنها به کار گرفته می‌شود. اهمیت دانش و اطلاعات برای دستیابی به شرایط بهینه در هر زمینه‌ای از جمله در مسائل مربوط به شهر بر همگان آشکار است. در واقع قدرت در جایی ظهور می‌یابد که دانش و اطلاعات در آنجا حضور داشته باشد. افزون بر این، توانمندی، ظرفیت‌سازی و مشارکت که از پایه‌های اصلی شهر مطلوب‌اند بر اهمیت دانش و آگاهی در زمینه‌های متعدد تأکید فراوان دارند. به عبارت دیگر، دانش مانند ابزاری برای غلبه بر موانع مدیریتی و اجرایی به کار گرفته می‌شود. تا کنون مطالعات متعددی به بررسی تأثیر دانش و آگاهی بر رفتار انسانی پرداخته و نتایج آنها نشان می‌دهد که فقدان دانش، مانع مؤثری در برابر الگوی مناسب رفتار شهروندی است. بدین ترتیب، ارتقای دانش حقوقی در مسائل شهری می‌تواند عامل مؤثری برای رفع موانع موجود مقابل مشارکت شهروندان در امور اداره شهر باشد. به عبارت دیگر، دانش حقوقی افزون بر رشد آگاهی‌های شهروندان به چگونگی اداره محیطی که در آن زندگی می‌کنند، با افزایش ظرفیت‌های فردی و جمعی، مشارکت را تسهیل کرده و زمینه‌های دستیابی به توسعه را فراهم می‌آورد (Butler, 2007: 27). از سوی دیگر، دانش حقوقی می‌تواند فعالیت‌های مشارکت را ارتقا بخشد. چرا که این دانش، دیدگاه‌ها و مهارت‌ها را در اجرای صحیح قوانین و مقررات با ظرفیت‌های مختلف به کار خواهد گرفت و جامعه انسانی را توانمند خواهد کرد. از این رو، برای توانمندسازی جامعه، پیشبرد اهداف توسعه و گسترش مشارکت شهروندان، آشنایی افراد با دانش حقوقی ضروری است (Wallner, 2003: 187).

۵.۲. آگاهی شهروندی

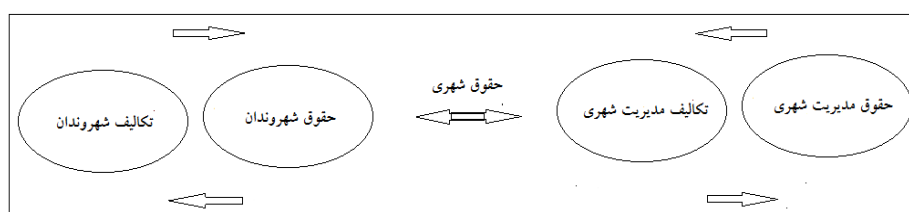
آگاهی شهروندی، به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق

حقوق و اجرای تعهداتشان است. آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار شود و ثمربخش‌تر گردد. شناخت امکانات موجود در سطح شهر برای رفاه شهروندان، آشنایی با وظایف، اهداف و مأموریت‌های شهرداری و نیز آشنایی با وظایف هر یک از واحدهای زیرمجموعه این نهاد و سازوکارهای استیفای حقوق در آنها، شهروندان را در بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفاه و پیشرفت یاری خواهد کرد. آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، زمینه انجام وظایف دوجانبه را فراهم می‌آورد و باعث پاسخ‌خواهی و حساب‌کشی شهروندان از مدیریت شهری خواهد شد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳).

۳.۵. حقوق شهری

در سیستم‌های امروزی از سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی گرفته تا سیستم‌های فرهنگی و سیاسی، قوانین و مقررات تعیین‌کننده روابط، تعاملات و سطوح عملکردی و جایگاه هر بخش و نهادی بوده و هستند. در سیستم پیچیده شهری نیز حقوق شهری همین عملکرد را داراست (قرخلو و عمران‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۹). حقوق شهری که به عنوان یکی از شاخه‌های منشعب از حقوق اساسی اداری و جزو زیرمجموعه حقوق داخلی شناخته می‌شود (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۱)، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان را با ادارات شهر و نهادهای مرتبط در امر محلی و شهری (کامیار، ۱۳۸۷: ۲۱)، خصوصاً روابط مردم شهر با شهرداری، حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آنها را تنظیم می‌کند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۱). به نظر می‌رسد نخستین پاسخی که از یک حقوق‌دان درباره تعریف حقوق شهری می‌شنویم، چنین مضمونی را در بر می‌گیرد: حقوق شهری شاخه‌ای از حقوق عمومی و تنظیم‌کننده روابط شهروندان و مدیران شهری است (همان، ۱۰۶). حقوق شهری به عنوان یک پدیده اجتماعی شهری از جامعه سرچشمه می‌گیرد و منشأ قواعد حقوقی آن ضرورت‌های اجتماعی زندگی شهری است که نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها) و شهروندان در دو سوی آن قرار می‌گیرند (دانشمند، ۱۳۸۸: ۹). با وجود تنوع تعاریف، موضوعی واحد در همه آنها وجود دارد و آن هم تأکید بر حقوق و وظایف است.

محور تضمین حقوق، قانون است (رزاق‌پور، ۱۳۹۰: ۹۰). پس قوانین شهری که حقوق شهری را شکل می‌دهند، از یک طرف راهنمای عمل شهروندان و از طرف دیگر، راهنمای سازمان‌ها و تشکیلات دیگر در مسائل شهری‌اند (قرخلو و عمران‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۰). این قوانین شکل‌دهنده حقوق شهری، نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها) و شهروندان را در دو طرف یک رابطه دوسویه قرار داده‌اند که مشتمل بر حقوق و تکالیف شهروندان از یک طرف و حقوق و تکالیف مدیریت شهری از طرف دیگر است.



شکل ۲. روابط میان حقوق و تکالیف شهروندان و مدیریت شهری (مأخذ: نگارندگان)

۴.۵. شهروند و شهروندی

شهروند مرکب از دو کلمه شهر به معنای جامعه انسانی و وند به معنای وابسته به این جامعه (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۴۹) و از واژه لاتین سیویتاس Civitas مشتق شده است (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی بر عهده دارد (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۵). شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه حضور دارد و در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و شکل‌دهی به آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در سایه هم‌زیستی، تعامل داوطلبانه و تلاش هم‌گام در نیل به سعادت دنیوی و اخروی مؤثر است (احمدزاده، ۱۳۸۴: ۹۶)؛ یا به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشوری را دارند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند که در قانون اساسی و دیگر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است. متعاقب مفهوم شهروند، مفهوم شهروندی مطرح می‌گردد. مفهوم شهروندی منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی می‌شود که به موجب آن امکان برخورداری از حقوق و قدرت فراهم می‌شود (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). در نظریه سیاسی و حقوقی، شهروندی به مجموعه‌ای از حقوق و وظایف اعضای یک دولت-ملت یا شهر اطلاق می‌شود (Marshal, 1998: 61). از آنجایی که شهروندی درباره روابط انسانی است، نمی‌توان تعریفی ساده و ایستا را که برای همه جوامع و زمان‌ها به کار می‌رود، برای آن ارائه کرد (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۷)، اما می‌توان هسته مشترک همه نظریه‌ها و تعاریف شهروندی را به شرح ذیل دانست:

۱. نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمام اعضای جامعه.
 ۲. مجموعه به هم پیوسته‌ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان.
 ۳. احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.
 ۴. برخورداری عادلانه و منصفانه همه اعضای جامعه از مزایا، منافع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (توسلی و حسینی‌نجاتی، ۱۳۸۳: ۵۶).
- این نکته شایان ذکر است که تحقق مفهوم و شکل‌گیری ایده شهروندی نیازمند وجود بستری مناسب و زمینه‌ساز است که از آن به عنوان جامعه مدنی یاد می‌شود. جامعه مدنی به مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها، تشکل‌های خصوصی و مدنی (غیرخصوصی) اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی، حوزه حقوق مدنی افراد و گروه‌ها را در بر می‌گیرد. در چنین فضا و بستری است که شهروندی زمینه بروز و ظهور پیدا می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۳۳۰).

۵.۵. مفهوم شهروندی در مدیریت شهری

مدیریت شهری بخشی از دانش مدیریت است که با در نظر گرفتن عرصه‌های نظری و با بهره‌گیری از الگوها و مفاهیم به اداره امور شهرها می‌پردازد. نظام مدیریت شهری سازمان گسترده‌ای متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی‌ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری است که با هدف اداره، هدایت و کنترل توسعه

همه‌جانبه و پایدار شهر فعالیت می‌کند. این نظام سه سطح از مدیریت شامل مدیریت سیاسی- اجتماعی، مدیریت سازمانی و برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی و فنی را شامل می‌شود (شیانی، ۱۳۸۸: ۴۹). نظام‌های مدیریتی جهان برای تکامل خود مسیری را از مدیریت یک‌جانبه‌گرایانه و یک‌سویه به مدیریتی طی کرده‌اند که در آن سیاست‌ها و شیوه‌های مدیریتی مبتنی و متکی بر خواسته‌های شهروندان باشد؛ زیرا در بحث مدیریت شهری، شهروند اساساً عضوی از یک جامعه شهری است که انتظار استفاده از خدمات و تسهیلات و حقوق شهروندی را دارد (Turner, 2006: 41). بدین ترتیب، اتخاذ سیاست‌هایی در همین راستا و مطابق با شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه برای حفظ حقوق شهروندان سرلوحه مدیریت و اداره امور جوامع قرار گرفته است.

برای تحقق حقوق شهری، اراده همه شهروندان و البته مدیریت شهری امری اساسی است. این اراده باید در سطوح بالای مدیریتی وجود داشته باشد تا پایداری به این حقوق به یک رفتار مدنی و عرف تبدیل شود. در سطوح پایین مدیریتی و اجرایی نیز که ارتباطات گسترده‌تری با جامعه و تعامل روزانه زیادی با شهروندان دارند، باید آشکارا مورد توجه قرار گیرد و رعایت شود. موانع اجرایی قوانین در زمینه شهروندی و حقوق آن در صورت وجود چنین تعهدی به حداقل خواهد رسید.



شکل ۳. ارتباط شهروندی، حقوق شهری و مدیریت شهری (مأخذ: نگارندگان)

۵.۶. حقوق شهروندی و قوانین شهری

اصلی‌ترین بحث در حیطه حقوق شهروندی خاص زندگی شهرنشین (یا همان حقوق شهری) آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری شهری، شهرنشینی و مدیریت شهری است تا زمینه‌های حمایتی و پیگیرانه از حقوق شهروندی برای شهروندان فراهم آید. چه بسا که بی‌اطلاعی و ناآگاهی شهروندان از حقوق نهفته آنها در بطن حقوق و قوانین شهری فرصتی را ایجاد کرده است تا به اشکال مختلف، مدیریت شهری ضمن نادیده گرفتن حقوق شهروندان در پاره‌ای مواقع نیز زیان‌هایی را متوجه مردم کند. مثال بارز این امر، قوانین مربوط به حق کسب‌و‌پیشه در صورت فروش ملک به شهرداری یا قانون نحوه تملک اراضی و ابنیه توسط شهرداری است که بعضاً مدیریت شهری در رابطه با آگاه‌سازی شهروندان از این دسته قوانین به دلیل ذی‌نفع بودن شهرداری اهمال نموده و همراه با ناآگاهی شهروندان، زیان‌هایی را به شهروندان وارد کرده است و بالطبع بخشی از حقوق شهروندی شهروندان در این موارد پایمال شده است. با توجه به مثال مذکور، روشن می‌گردد که قوانین شهری به‌تنهایی ضامن احقاق حقوق شهروندان در مقابل مدیریت شهری نیست، بلکه لازمه احقاق این حقوق آگاهی شهروندان از آن است.

بحثی که در این رابطه برای دستیابی شهروندان به حقوق خود قابل طرح است، بحث شهروندسازی است. شهروندسازی یعنی فراهم آوردن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای آگاهی شهروندان به منظور دستیابی آنها به حقوق شهروندی است و ضمناً برای این است که بتوانند به‌نحوی وظایف و تکالیف شهروندی خویش را در قالب جامعه محلی، شهری و مدیریت شهری، انجام دهند. واضح است که وظیفه مدیریت شهری شهروندسازی (آگاهی‌بخشی شهروندان از حقوق و قوانین شهری و متعاقب آن دستیابی به حقوق شهروندی خویش) است، اما در بیشتر قوانین وضع‌شده که به‌نحوی مستقیم یا غیرمستقیم با شهر و شهروند در ارتباط است، جایگاه شهروندی (یعنی شهروندی که دارای حقوق خاصی است) لحاظ نشده است؛ به طوری که در هر یک از قوانین مزبور شهروندان تنها به عناوین خاص خطاب قرار گرفته‌اند و در هیچ‌کدام از آنها معنا و مفهوم شهروندی به کار گرفته نشده است؛

- در قانون شوراها مردم با عنوان انتخاب‌کنندگان مطرح‌اند.

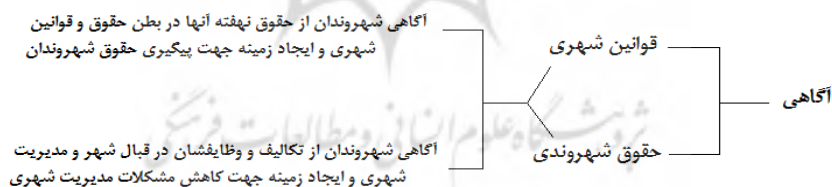
- در قوانین مربوط به پرداخت عوارض شهری مردم با عنوان مؤدی یاد شده‌اند.

- در قوانین مربوط به ساخت‌وساز مردم با عنوان مالک شناخته می‌شوند.

- در بحث تخلفات ساختمانی مردم با عنوان متخلف مطرح‌اند.

- در اطلاع‌رسانی مردم با عنوان عموم مطرح‌اند و ...

در نهایت می‌توان گفت که با توجه به اقتضائات جامعه شهری، مدیریت شهری اهمیت و جایگاه خاصی در امور فوق دارد و می‌تواند با آموزش و آگاه‌سازی شهروندان درباره حقوق و قوانین شهری، از طرفی در مسیر دستیابی شهروندان به حقوق شهروندی‌شان گام بردارد و از طرف دیگر با آگاهی شهروندان و آشنا شدن آنها با وظایف و تکالیفشان، از بار مشکلات مدیریت شهری بکاهد.



شکل ۴. منافع حاصل از آگاهی شهروندان درباره حقوق شهروندی و قوانین شهری (مأخذ: نگارندگان)

۶. یافته‌های پژوهش

۱.۶. یافته‌های توصیفی

در این بخش نتایج و یافته‌های اصلی مرتبط با موضوع پژوهش به ترتیب در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه شده است. ابتدا داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه به‌صورت توصیفی و در خلال یافته‌های توصیفی ارائه می‌گردد تا در وهله اول میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری سنجیده شود و در وهله بعد، طی ارائه یافته‌های استنباطی مشخص گردد که میزان آگاهی شهروندان (نتایج یافته‌های توصیفی) از چه طریقی بوده و چه عواملی در این سطح آگاهی مؤثر بوده‌اند.

۲.۶. وضعیت آگاهی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری به صورت کلی

در خلال پرسشگری انجام‌گرفته از شهروندان شهر پیرانشهر، به روشنی مشخص گردید که بیشتر شهروندان این شهر از حقوق خویش در قبال مدیریت شهری و در رأس آن شهرداری مطلع نبوده‌اند؛ به گونه‌ای که افراد با اطلاع کافی تنها گروهی اندک یعنی ۱۱ درصد از شهروندان را در بر می‌گیرند. جدول ۲ آگاهی شهروندان پیرانشهر را در حالت کلی نشان می‌دهد و به روشنی گویای موضوع است.

جدول ۲. سطح آگاهی عمومی شهروندان از حقوق شهروندی

میزان/گویه	بی‌اطلاع	کم	متوسط	زیاد	مطلع
درصد	۲۸/۶	۳۵/۷	۲۴/۱	۸/۷	۲/۹
درصد تجمعی	۲۸/۶	۶۴/۳	۸۸/۴	۹۷/۱	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان (تابستان ۱۳۹۲)

با اندکی تفحص اهمیت موضوع روشن می‌شود. نبود یا کمبود آگاهی شهروندان از این حقوق و قوانین زمینه‌ساز بروز مشکلات عدیده‌ای در شهرهای کشور شده و جامعه شهری و مدیریت آن را در تنگنا قرار داده است. اهمیت این موضوع یعنی آگاهی شهروندی فراتر از بحثی ساده است که بتوان درباره آن سهل‌انگاری کرد؛ زیرا ناآگاهی در بسیاری از موارد نقض قوانین، بروز مشکلات اجتماعی، نافرمانی‌های مدنی و... را در پی دارد که خسارات آن نه تنها گریبان‌گیر شهروندان، بلکه گریبان‌گیر مدیریت شهری نیز می‌شود و مشارکت شهروندان را هم کم‌رنگ خواهد کرد. البته ناآگاهی شهروندان خود به تنهایی عامل مشکلات مذکور نیست، بلکه نبود پشتوانه مناسب اجرایی و سهل‌انگاری‌های قانونی و روابط موجود در دنیای در حال توسعه و متعاقب آن کشور ما، بر دامنه مسائل و مشکلات موجود افزوده است و در بسیاری از موارد، افراد مطلع نیز با وجود اطلاع از حقوق و قوانین، در برابر آن چشم‌پوشی کرده و در جهت منافع شخصی خود عمل می‌کنند. مثال بارز این امر پرداخت جریمه به جای حذف تخلف است که مسائل بسیاری را در شهرهای کشور خصوصاً در کالبد و عملکرد آنها به وجود آورده و آن را با آشفتگی مواجه کرده است.

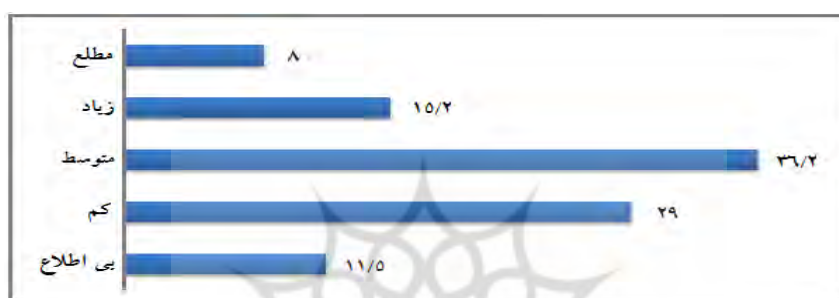
آگاهی از حقوق شهروندی و قوانین شهری همراه با پشتوانه اجرایی مناسب، زمینه‌ساز کاهش مسائل و مشکلات در جامعه شهری خواهد شد. این امر با ایجاد برنامه‌هایی اصولی در زمینه آگاه‌سازی شهروندان از حقوق شهروندی، با به‌کارگیری سیاست‌هایی در جهت نظارت و مشارکت بیشتر آنان، قابل حصول است.

۳.۶. میزان آگاهی عمومی شهروندان از قوانین انتخابی شهرداری

در این بخش میزان آگاهی شهروندان پیرانشهر از گزیده قوانین شهری سنجیده می‌شود. برای انتخاب گزیده‌ای از قوانین شهری، با استناد به جمع‌بندی نظرات کارشناسان شهری و متخصصان دانشگاهی، تعداد ۴ قانون از قوانین شهری که بیشتر در زمینه حقوق ساکنان شهری قابل طرح‌اند، آورده شده است.

۱.۳.۶. قوانین مربوط به عدم اشغال پیاده‌روها

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، افراد با آگاهی بالا (مطلع و زیاد) ۲۳/۲ درصد از شهروندان را شامل می‌شوند. در شهر پیرانشهر به دلیل دارا بودن بازارچه مرزی و وجود تعداد زیادی از مجتمع‌ها و واحدهای عرضه کالاهای خارجی، افراد زیادی از مردم شهر در امور مربوط به عرضه این کالاها و خدمات اشتغال دارند. از طرف دیگر با توجه به نقش گردشگری تجاری پیرانشهر، شهرداری این شهر برای رفاه حال گردشگران، مسافران و همچنین جلوگیری از ایجاد سیمای بصری نامطلوب شهر از اشغال پیاده‌روها توسط واحدهای تجاری و دست‌فروش‌ها تا حد زیادی پیشگیری کرده است. بنابراین آگاهی نسبتاً بالای افراد از قانون عدم اشغال پیاده‌روها در رابطه با برخورد شهرداری با آنها و به‌صورت تجربی به‌دست آمده است.

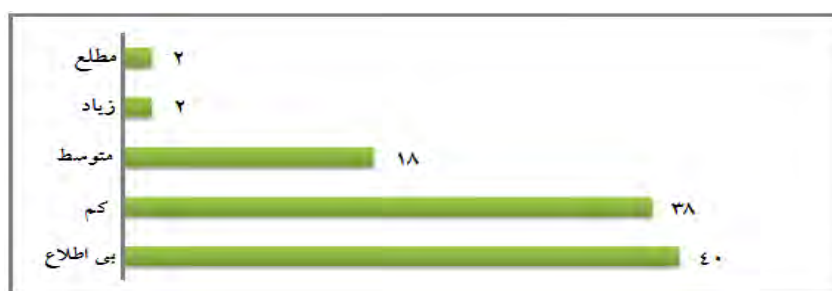


نمودار ۱. درصد اطلاع عمومی از قوانین مربوط به اشغال پیاده‌روها

مأخذ: نگارندگان (تابستان ۱۳۹۲)

۲.۳.۶. قوانین مربوط به حق کسب و پیشه

طبق ماده ۱ این قانون، پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت اشخاصی که محل کار آنان در اثر اجرای طرح‌های احداث و توسعه معابر و نوسازی و عمران شهری از بین می‌رود، طبق مقررات باید از طرف شهرداری پراخت شود (www.imo.org.ir). مطابق نمودار ۲ اطلاع شهروندان از این قانون متفاوت است. ۷۸ درصد از شهروندان که بیشتر آنان نیز در مشاغل تجاری فعالیت دارند، از این قانون و اختصاص حق کسب و پیشه به خود در صورت فروش ملک تجاری به شهرداری از اطلاع کافی برخوردار نبوده یا بی‌اطلاع بوده‌اند. ۱۸ درصد افراد نیز نسبتاً مطلع بوده و تنها ۴ درصد افراد از آگاهی کافی (مطلع و زیاد) برخوردار بوده‌اند. این ناآگاهی موجب وارد شدن خسارات مالی فراوان به شهروندان می‌شود که از جمله دلایل آن عدم اطلاع‌رسانی و آموزش شهروندان در این زمینه به سبب ذینفع بودن شهرداری است.

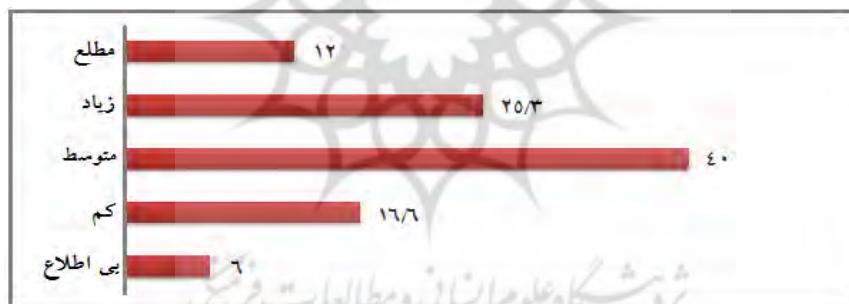


نمودار ۲. درصد آگاهی عمومی از قوانین مربوط به حق کسب و پیشه

مأخذ: نگارندگان (تابستان ۱۳۹۲)

۳.۳.۶. مادهٔ صد

در زمینهٔ قانون مادهٔ صد شهرداری، افراد با آگاهی کافی (مطلع و زیاد) و نسبتاً آگاه به‌ترتیب ۳۷/۳۳ درصد و ۴۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. میزان آگاهی شهروندان از این قانون به‌مراتب بالاتر از دیگر قانون‌های انتخابی است. با نگاهی به شرایط کالبدی موجود پیرانشهر می‌توان به علت این امر پی برد. ایجاد بازارچهٔ مرزی و روند فعال آن در یک دههٔ گذشته (دومین مرز زمینی کشور از لحاظ حجم صادرات) باعث شده است که این شهر هم از لحاظ جمعیتی و هم از لحاظ اقتصادی دگرگونی چشمگیری پیدا کند که نتیجهٔ این دگرگونی در شرایط کالبدی و فیزیکی شهر تبلور یافته است. افزایش جمعیت شهر، افزایش چشمگیر قیمت زمین، نقش تجاری شهر و بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان ساخت‌وسازهای موجود را با تغییراتی از قبیل افزایش ساخت‌وساز در بناهای موجود یا تخریب ساخت‌وسازهای اضافی، تخریب بناهای مسکونی واقع در محلات مجاور بازارچهٔ شهر و تبدیل آنها به واحدهای تجاری و... مواجه کرده است. این موضوع تعیین جریمهٔ نقدی از سوی شهرداری را به دلیل تخلف برای صاحبان این ساخت‌وسازها در پی داشته است. بنابراین، می‌توان گفت آگاهی نسبتاً زیاد شهروندان، در زمینهٔ مادهٔ صد در ارتباط با برخورد شهروندان و شهرداری در زمینهٔ تخلفات ساختمانی و پرداخت جریمه از سوی شهروندان بوده است. لذا می‌توان دریافت که این آگاهی در مراجعهٔ شهروندان به شهرداری و به‌صورت تجربی به‌دست آمده است.

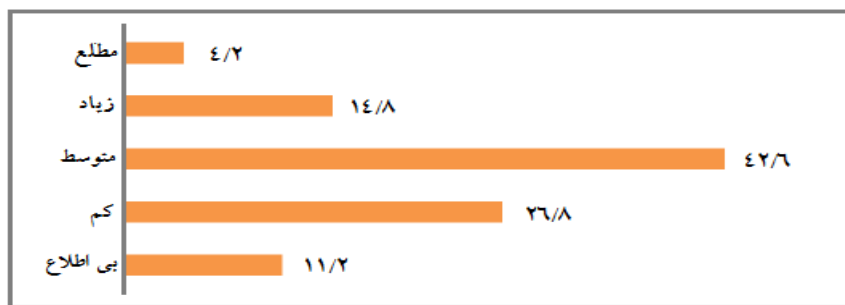


نمودار ۳. درصد آگاهی عمومی از قانون مادهٔ صد

مأخذ: نگارندگان (تابستان ۱۳۹۲)

۴.۳.۶. قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی

این قانون از ابتدایی‌ترین وظایف شهرداری است. میزان افرادی که آگاهی کافی (مطلع و زیاد) از این قانون دارند تنها ۱۹ درصد است و ۴۲/۶ درصد افراد نیز در سطحی متوسط از آگاهی قرار داشته‌اند. ناآگاهی یا کمبود آگاهی شهروندان از این قوانین عدم نظارت عمومی و کاهش کیفیت فضاهای شهری را در پی خواهد داشت.



نمودار ۴. درصد اطلاع عمومی از قوانین مربوط به نگهداری مکان‌های عمومی

مأخذ: نگارندگان (تابستان ۱۳۹۲)

۴.۶. یافته‌های استنباطی

۱.۴.۶. رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و قوانین شهری با تحصیلات

نتایج آزمون هم‌بستگی نشان می‌دهد با توجه به مقدار کای اسکوئر با $9/283$ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد با درجه آزادی ۱۲ و sig بزرگ‌تر از $0/05$ ($0/679$)، بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری و تحصیلات آنان رابطه معناداری برقرار نیست و بدین ترتیب بر خلاف انتظار فرضیه تأیید نمی‌گردد.

جدول ۳. میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری به تفکیک سطح تحصیلات

تحصیلات	زیردیپلم و دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
بی اطلاع	۱۱	۸	۳۳	۱۰
کم	۱۴	۱۵	۲۶	۱۷
تاحدودی	۲۷	۳۰	۶۵	۲۴
زیاد	۷	۷	۱۹	۱۳
مطلع	۹	۶	۲۸	۹
مجموع	۶۸	۶۶	۱۷۱	۷۳

مأخذ: نگارندگان (تابستان ۱۳۹۲)

$$X^2 = 9/283, sig = 0/05(0/679), d.f = 12$$

در بررسی رابطه میزان تحصیلات افراد با میزان آگاهی آنان می‌توان به این نکته پی برد که صرف تحصیلات بالا آگاهی بیشتر از حقوق و قوانین شهری را در پی ندارد. مطالعات پیمایشی صورت گرفته نشان می‌دهد که افراد آگاه و مطلع یا نسبتاً آگاه در زمینه حقوق و قوانین شهری صرفاً افراد با تحصیلات بالا نیستند؛ بلکه افرادی که مشاغل آنان به گونه‌ای در ارتباط با شهرداری است یا به دفعات مکرر یا حداقل یک بار با بخش‌های مختلف شهرداری در زمینه مسائل حقوقی دچار مشکل شده‌اند را بیشتر در بر می‌گیرد. لذا مشاهده می‌شود که در بسیاری از موارد افراد با تحصیلات بالا کوچک‌ترین اطلاعی در این زمینه ندارند یا حداقل میزان آگاهی آنان در سطحی بسیار پایین است. بنابراین، میزان آگاهی شهروندان لزوماً ارتباطی با تحصیلات آنان نداشته است و بسیاری از شهروندان با وجود تحصیلات پایین در برخورد با شهرداری و به صورت تجربی با حقوق و قوانین شهری آشنا شده‌اند.

عدم تأیید این رابطه حاکی از آن است که به آگاه‌سازی افراد از حقوق شهروندی و قوانین شهری طی آموزش و تحصیل چندان اهمیتی داده نشده است.

۲.۴.۶. رابطه بین شغل افراد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی و قوانین شهری

با استناد به نتایج هم‌بستگی اسپیرمن، با سطح اطمینان ۹۹ درصد و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱، رابطه معناداری بین شغل افراد و میزان آگاهی آنان وجود دارد و ضریب هم‌بستگی که برابر ۸۵ درصد است، دلالت بر وجود هم‌بستگی قوی بین دو متغیر آگاهی افراد و شغل آنان دارد.

با بررسی اشتغال افراد آگاه و نسبتاً آگاه مشخص گردید که این گروه را عمدتاً افرادی تشکیل می‌دهند که در مشاغل مربوط به امور شهری فعالیت دارند، یا شغل آنان به اشکال مختلف امکان روبه‌رو شدن با شهرداری و نهادهای آن و قوانین مربوط به آنها را امکان‌پذیر کرده است. با بررسی دقیق‌تر در نوع فعالیت شغلی و اجتماعی روشن می‌شود، افراد با اشتغال در مشاغلی چون کارمند شهرداری، وکالت، بنگاه معاملاتی و مشاور املاک، بسازوبفروشی و واسطه‌گری مصالح ساختمانی و دیگر مشاغل مرتبط با امور شهری به‌واسطه درگیری‌های حقوقی یا به‌صورت تجربی با قوانین شهری و اصول کارکردی مربوط به شهرداری آشنا گشته‌اند.

جدول ۴. میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری به تفکیک شغل

شغل	مشاغل مرتبط با امور شهری (مانند معاملاتی املاک، بسازوبفروشی‌ها، کارمندان شهرداری و نهادهای تابعه آن، واسطه‌گران مصالح ساختمانی، پیمانکاران و ...)	شاغلان ارگان‌های دولتی (مانند کارمندان، معلمان و استادان، نیروهای نظامی - امنیتی شهر و ...)	مشاغل آزاد شهری (ترخیص‌کنندگان کالاهای صادراتی، خواروبارفروشی‌ها، تعمیرکاران، تاکسی‌های شهری، بازاریاب‌ها، دستفروش‌ها، زرگران، کارگزاران بورس، واحدهای تجاری عرضه کالا و ...)
بی‌اطلاع	۱۶	۲۲	۳۰
کم	۲۲	۳۰	۳۶
تاحدودی	۴۲	۵۹	۶۵
زیاد	۱۴	۸	۸
مطلع	۱۲	۹	۵
مجموع	۱۰۶	۱۲۸	۱۴۴

مأخذ: نگارندگان (تابستان ۱۳۹۲)

در یک جمع‌بندی کلی از بررسی دو رابطه فوق، می‌توان گفت که عامل تجربه در آگاهی از حقوق و قوانین شهری سهم بسزایی دارد؛ تاجایی که سهم بسیار زیاد شهروندان با آگاهی کافی را افرادی تشکیل می‌دهند که به‌نحوی با شهرداری برخورد داشته و در جریان این برخورد، به سطحی از آگاهی، خواه کم یا زیاد دست یافته‌اند.

۷. نتایج تحقیق

نظام حقوقی شهر زمانی می‌تواند کارآمد باشد که شهروندان در قبال حقوق و قوانین شهری آشنایی داشته و خود را ملزم

به اجرای آن باندند. این قوانین را می‌توان یکی از نقاط اتصال شهروندان و مدیریت شهری قلمداد کرد. اما همان‌گونه که در بخش‌های قبلی پژوهش حاضر اشاره شد، مسائلی از قبیل کم‌توجهی مدیریت شهری شهرهای کشور به آگاه‌سازی از حقوق و قوانین و مقررات و شفاف‌سازی آنها، روزآمد نبودن قوانین و مقررات و مهم‌تر از همه، ناآگاهی شهروندان، سازمان‌های دولتی و حتی نمایندگان آنان از ریزه‌کاری‌های امور، روزبه‌روز دامنه گرفتاری‌ها و معضلات ناشی از این امر را افزایش داده است. ناآگاهی شهروندان از حقوق و قوانین شهری و شهروندی علاوه بر آنکه به نفع شهروندان نیست، مدیریت شهری و در رأس آن شهرداری را نیز در زمینه مدیریت شهری متضرر می‌کند و آن را از مسیر دستیابی به اصول توسعه پایدار شهری باز می‌دارد.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که سطح آگاهی عمومی شهروندان پیرانشهر در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری پایین است. به‌علاوه، شهروندان آگاه از این حقوق و قوانین، به‌صورت تجربی با این حقوق و قوانین آشنا شده‌اند و در جریان درگیری‌های حقوقی با بخش‌های مختلف شهرداری، یا در اثر فعالیت در مشاغل مرتبط با امور شهری، آگاهی لازم را به‌دست آورده‌اند. برخلاف انتظار، آگاهی افراد با تحصیلات بالا در سطح پایینی قرار دارد و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی نیز جز در رشته‌های مرتبط، از موضوع مستثنا نیستند. از طرف دیگر، افراد شاغل در فعالیت‌های شهری (مانند بسازوبفروشی، بنگاه معاملاتی و...) در بسیاری از موارد با وجود تحصیلات پایین‌تر در زمینه حقوق و قوانین مذکور آگاه‌تر بوده‌اند. بنابراین، به‌روشنی می‌توان دریافت که عامل تجربه و برخورد با شهرداری در آگاهی شهروندان نقش بسزایی داشته است. بدین ترتیب، سطح پایین آگاهی عمومی در کنار بعضی کاستی‌های دیگر که در زمینه قوانین شهری به‌چشم می‌خورد، موجب عدم موفقیت در اجرای مناسب و صحیح قوانین، رعایت حقوق شهروندی، نظارت کامل بر توسعه شهری، مدیریت ناموفق و حل دیگر معضلاتی می‌گردد که امروزه بیشتر شهرهای ما با آن دست‌به‌گریبان‌اند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و با نگاهی به تحقیقات قبلی صورت‌گرفته در زمینه آگاهی از قوانین شهری و حقوق شهروندی می‌توان دریافت که:

- الف) سطح آگاهی عمومی شهروندان از این دسته قوانین و حقوق در جامعه شهری پایین است.
- ب) حقوق شهروندی در نظام مدیریت شهری هنوز دارای جایگاه مشخص و تعریف‌شده‌ای نیست.
- ج) آگاهی از قوانین شهری و حقوق شهروندی از طرفی زمینه پیگیری حقوق شهروندی را برای شهروندان فراهم آورده و از سوی دیگر با آگاهی آنان و بالطبع آشنایی آنان از تکالیف شهروندی، زمینه برای کاهش مشکلات مدیریت شهری فراهم می‌آید.

بنابراین، می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر در تأیید تحقیقات قبلی صورت‌گرفته در این زمینه است. در خاتمه باید اذعان داشت که آگاه‌سازی به‌خودی خود درمان نیست، بلکه باید این آگاه‌سازی با پشتوانه اجرایی مناسب و قوی همراه باشد تا به عنوان زیربنایی محکم و چارچوبی کنترل‌کننده، کاهش‌دهنده بسیاری از مشکلات و مسائل در جامعه شهری باشد. بخشی از این چارچوب می‌تواند با تدوین و به اجرا درآمدن برنامه‌های آگاه‌سازی همراه با ایجاد پشتوانه اجرایی قوی توسط مدیریت شهری در شهر پیرانشهر پی‌ریزی شود.

با توجه به آنچه گذشت، برای افزایش آگاهی‌های عمومی شهروندان، اجرای مناسب قوانین و مقررات و کاهش

مسائل و مشکلات حقوقی پیشنهاداتی بدین شرح ارائه می‌گردد:

- انتشار و توزیع بروشورهایی توسط مدیریت شهری پیرانشهر در زمینه حقوق و قوانین شهری.
- برنامه‌ریزی درباره مشارکت شهروندان در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و... و اقدام درباره تشکیل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی به منظور پیوند دادن شهروندان در فعالیت‌های شهری.
- اطلاع‌رسانی به شهروندان پیرانشهر درباره قوانین و مقررات و طرح‌های مصوب اجرایی.
- انتشار و توزیع گزارش عملکرد سالانه شهرداری پیرانشهر برای آگاهی مردم از اقدامات انجام گرفته در سطح شهر.
- حرکت شهرداری پیرانشهر برای افزایش احساس تعلق شهروندان به جامعه شهری از طریق افزایش آگاهی و مشارکت آنان.
- برگزاری کلاس‌های آموزشی و توجیهی در زمینه قانون‌های متداول توسط مدیریت شهری پیرانشهر.
- به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی از طریق اهدای جوایز به شهروندان فعال و آگاه.
- همکاری آموزش و پرورش و مدیریت شهری پیرانشهر برای آگاهی دانش‌آموزان و انتقال این آگاهی به سطح خانواده.
- اجرای صحیح قوانین توسط مسئولان ذی‌ربط و برخورد با متخلفان.
- اطلاع‌رسانی به شهروندان حتی در رابطه با قوانینی که شهرداری ذی‌نفع است برای رعایت حقوق مردم و شهرداری.

منابع

- احمدزاده، سیدمصطفی؛ (۱۳۸۴). حقوق شهروندی، مجله اندیشه، سال یازدهم، شماره ششم.
- برک‌پور، ناصر؛ گوهری‌پور، حامد؛ کریمی، مهدی؛ (۱۳۸۹). ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها بر پایه سنجش میزان رضایت مردم از خدمات شهری (نمونه موردی: مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران)، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، ۲۰۳-۲۱۸.
- بشیریه، حسین؛ (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دهم، نشر نی، تهران.
- بیرانوند، رضا؛ آبی، محمد؛ کشفی، سعید؛ (۱۳۹۰). نقش و تکالیف پلیس راهنمایی و رانندگی در رعایت حقوق شهروندی رانندگان، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۲۱، ۵۲-۳۳.
- پاک‌نژاد، فاطمه؛ شکوری، هدایت؛ (۱۳۸۰). بررسی لزوم آموزش حقوق شهروندی در ایران، همایش راهکارهای توسعه و فرهنگ شهروندی، انتشارات محبان، اصفهان.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ قلی‌پور، آرین؛ باغستانی بزرگی، حوریه؛ (۱۳۸۸). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، ۴۰-۷.
- توسلی، غلام‌عباس؛ حسینی‌نجاتی، محمود؛ (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- جهانگیر، منصور؛ (۱۳۸۱). قوانین و مقررات شهر و شهرداری، نشر دوران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.
- دانشمند، فتنه؛ (۱۳۸۸). بررسی روابط شهروندی و مدیریت شهری در قانون شهرداری‌ها، همایش منطقه‌ای شهر، شهروند و مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، ۲۱-۱.
- رزاقی‌پور، یوسف؛ (۱۳۹۰). نگاهی به حقوق شهروندی، ماهنامه کانون، شماره ۱۲۳، ۹۸-۸۷.
- شیانی، ملیحه؛ (۱۳۸۸). تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران: نگاهی به مدیریت شهری، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۲، ۵۳-۳۳.
- صراف، مظفر؛ عبدالمهی، مجید؛ (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳.
- علیدوستی، ناصر؛ (۱۳۸۸). پلیس و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۴، ۷۰-۴۷.
- فالکس، کیث؛ (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران.
- قرخلو، مهدی؛ عمران‌زاده، بهزاد؛ (۱۳۸۴). وضعیت حقوقی تعاملات دولت و شهرداری در ایران، نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال سوم، شماره ۶ و ۷، ۶۸-۴۹.
- کامیار، غلامرضا؛ (۱۳۸۷). حقوق شهری و شهرسازی، چاپ سوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- لطفی، حیدر؛ عدالت‌خواه، فرداد؛ میرزایی، مینو؛ وزیرپور، شبوب؛ (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره اول، ۱۱۰-۱۰۱.

محسنی، رضاعلی؛ (۱۳۸۹). ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی: راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۴۴-۱۱۷.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.

-----، ۱۳۹۰.

مهندسین مشاور آرمانشهر، (۱۳۸۷). طرح سامان‌دهی بافت فرسوده شهر پیرانشهر، وزارت مسکن و شهرسازی استان آذربایجان غربی.

هاشمی، فضل‌الله؛ (۱۳۷۹). حقوق شهری و قوانین شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

Butler, et al.; (2007) A Theoretical model and framework for understanding Knowledge Management System Implementation, Journal of Organizational and End User Computing, V19, N 4.

English, Linda.; (2003). Emasculating public accountability in the name of competition: Transformation of state Audit in Victoria, Critical Perspectives on Accounting, 14, 51-76.

Marshal, G.; (1998). Dictionary of Social Development, Westport, Greenwood Press.

Sastry, K. R.; (1997). Participation, Connotation and Contact, Asia-Pacific Journal of Rural Development, V 1, N 1, 12-19.

Turner, B. S.; (2006). Global Sociology and the Nature of Rights, (In Societies without Borders), V 1.

Wallner, S.; Hunziker, M.; (2003). Do natural science experiments influence public attitudes towards environmental problems, Global environmental change, 13, 185-194.

www.imo.org.ir